



زهرا شکرلویی
نویسنده

چندمیان؟
ناهدید به شعله غلادین که گر گرفته بود، خیره شد.
- موشک باران نگاه دار، لاله‌الا...!
ناهدید پیچ رادیو را تاب داد.

آرام بگیر ببینم، عملیات شده.

محسن موشک کاغذی را به سمت هواپیمای عراقی خیالی نشان‌ه رفت. صفر سوتی از لب‌هایش جهید، کنار گوش ناهید.
- بذار ببینم بابت کی برمی‌گرده.
ناهدید صدای رادیو را زیاد کرد. گشتی تایدواتر روی آب‌های خلیج فارس
مورد اصابت هواپیماهای دشمن قرارگرفت و تعداد زیادی به شهادت ...

ناهدید کوئید روی پاهایش. محسن که اشک‌های مادرش را دید دلش هری ریخت. آب دهانش را قورت داد. تا موشک کاغذی را صاف کرد، قفری



شد. پدرش که روی کشتی نیست، چرا مادرش اشکش دم مشکش است.

نکند پدرش.

محسن رفت کنار مادرش نشست. ناهید، آرزو را نشانده بود کنارش. زل زده بود به پنجره اتاق خانه سازمانی. خانه‌ای که کنار دریاچه زاینده‌رود بود، روزی که از یانچشمه راهی شدند آمدند به خانه سازمانی سد زاینده‌رود، دوتا اتاق نصب‌شان شده بود. دیگر حوصله ناهید را سر برده، چندتا تپچه قد و نیم قد، سر قیش زمستان، جنگ، مردی که سی و چند روز است اعزام شده، هیچ خبری نیست.

هنوز خورشید ظهر زمستان لباس‌های خیس روی بند را خشک نکرده بود که صدای آژیر قرمز بلند شد. ناهید چادر رنگی‌اش را کشید روی سرش، دست آرزو و محسن را گرفت و تا پناهگاه خانه سازمانی‌ها دوید. سرمای دی ماه ۶۵ بیداد می‌کرد. پناهگاه پر از زن و بچه بود. ضد هوایی‌های سد مدام در حال تیراندازی بودند. صدای گریه بچه‌ای زیر گوش ناهید بود. توی تاریکی دنبال محسن گشت. صدا زد محسن! محسن! مگر صدا به صدای‌می‌رسید.

بچه‌هایش را سیرید به زن همسایه. دوید سمت بیرون پناهگاه. سرباز وظیفه جلویش را گرفت. هواپیمای عراقی دیوار صوتی خانه‌های سازمانی را شکستند. صدای رگبار همه جا را پر کرده بود. ناهید سرباز را کنار زد تا نزدیک خانه دوید. نفس نفس می‌زد. آسمان پر از هواپیما، آتش و گلوله بود. ناهید باز دوید. نزدیک خانه‌که رسید محسن را روی پشت بام دید که تفنگ پلاستیکی‌اش را رو به هواپیماها گرفته. جیغ زد. پله‌ها را دوتا یکی کرد. رسید به پشت بام، گم گرفت روی سر محسن، محسن را خواباند روی پشت بام. صورتش خیس شده بود. اشک امانش را بریده بود. محسن و ناهید صورت به صورت هم نفس نفس می‌زدند، چادرش را روی سر محسن کشید. انگار پناهگاه ساخته باشد. سرما تا مغز استخوان مادر و پسر خلیده بود. وضعیت سفید شد، نشست شانه‌های محسن را چسبید و تکان داد. با حالت گریه‌گفته، دیگه... محسن آب دهانش را قورت داد. چشمان تپله‌اش را چند بار باز وبسته کرد.

هر جا باشم آسمان سهم من است

روایتی برگرفته از زندگی خلبان محسن دریانوش که همراه رئیس جمهور به شهادت رسید

- نترس آنا من خلبان میشم؛ میرم بابا را میارم، هر چی هواپیما عراقی را فراری می‌دم.

بوی آش قار تمام‌خانه را پر کرده بود. ناهید بچه‌ها را دست محسن سپرد تا برود تعاونی. محسن جنگ موشک کاغذی راه انداخته بود. ناهید تمام راه برگشت تعاونی را دویده بود. تلفنی فهمیده بود شوهرش مختار قرار است برگردد. محسن سر از نمی‌شناخت. طاقچه خانه را آشیانه هواپیماهای کوچک بزرگش کرده بود. صدای سرفه‌های پدر، خانه را پر کرد. ناهید آویشن دم کرده بود. گذاشته بود جلوی شوهرش. پدرش ورقه آهن را تو دستش برانداز کرد.

- آخه زن ریه شیمیایی با آویشن خوب می‌شه. محسن دیگر ذوقی نبود که بکند. پدرش برگشته. قرار بود برایش هواپیماهای آهنی درست کند. پدرش ورقه را برش زد دو تا بال هواپیما ساخت دستگاه جوش را راه انداخت. باتمام خستگی دلش نیامد به محسن نه بگوید. هواپیما را جوش داد.

سرهم کرد. تکه سمپاده را داد دست محسن.

- سمپاده زدنش با خودت آقای خلبان. محسن به

چشمان قرمز پدرش زل زد.

- بابا هواپیما می‌من سقوط می‌کنه؟ تمام تن پدرش بیخ کرد. لب‌های نازکش را از هم باز کرد. زیر لب گفت؛ اگر خلبانش تو باشی نه. محسن هواپیمای جدیدش را برانداز کرد. رو به پدرش گفت؛ بابا یک طور ساختیش

بالش نشکته. پدرش به چشمان تپله‌ای بازیگوش محسن زل زد. بی‌هوا گفت؛ نمی‌شکته. محسن سمپاده را محکم روی بال هواپیمایش کشید. صدای خش خش به جانش نشست بود. لب‌هایش را روی هم فشار داد. سمپاده از دستش لیز خورد. انگشت شستش خورد به بال؛ خراش برداشت. قطره خونی چکید روی بال هواپیما. ناهید دست‌یاچه دوید و انگشت محسن را فشار داد. فوت کرد و بوسید. نتیجه کتک‌ور سال ۷۸ که آمد محسن را رفت. این همه سال درس خوانده، حالا قبولی پرنکی دستش را گرفته بود.

حاشیه

از اهالی یانچشمه

در دل کوه‌های سر به فلک کشیده و دشت‌های سرسبز چهارمحال و بختیاری، جایی که قلب مردمش با عشق و ایمان برای وطن می‌تپد، محسن دریانوش، اولین فرزند مختار بهارلویی و ناهید سورانی، در ۲۲ مهر ۱۳۵۹ به دنیا آمد. خانواده‌ای مذهبی و ریشته دار اهل روستای یانچشمه از توابع شهرستان ین هستاند و برای زندگی به شهر نجف‌آباد اصفهان نقل مکان کردند. پدر نام خانوادگی خود را از بهارلویی به دریانوش تغییر داد، نامی که حکایت از عشق به دریا و آسمان داشت.

چقدر آرزوی خلبانی داشت. چقدر کلمه به کلمه زبان انگلیسی حفظ کرد، تمام اخبار دنیا را جست‌وجو کرده بود تا به روزترین هواپیماها را بشناسد. مقاله به مقاله هواشناسی را خوانده بود. ابر به ابر آسمان را می‌شناخت.

محسن راهش را کشید از سد زاینده‌رود کوئید رفت تهران و در دانشگاه شهید ستاری، امتحان ورودی خلبانی داد. خبر قبولی‌اش را گرفت و برگشت، روزی که خبر قبولی‌اش را به مادر و پدرش داد. پدرش از سازمان آب زاینده‌رود یانزشسته شده بود. خانواده‌اش راهی نجف‌آباد شدند. محسن راهی پایگاه شکاری، آموزش خلبانی شد. پرواز به پرواز رفت تا خلبان آشیانه رهبر و رئیس جمهور شد. دیگر مادرش هر روز سر سجاده مهره‌های تسبیح را یکی‌یکی به یاد سلامتی محسن می‌انداخت. محسن ماموریت به ماموریت می‌رفت به ناهید می‌گفت؛ آنا، هواپیمای عراقی کار دستمون داد. ناهید ذوق پسر خلبانش را می‌کرد.

عصر روز ۴ اردیبهشت که اخبار تلویزیون، خبر مفقود شدن بالگرد رئیس جمهور را داد ناهید گوشی را برداشت، هزار و یک بار به محسن زنگ زد. پدرش تمام مدت تو ایوان خانه نشسته به سیکارش یک می‌زد. سرفه می‌کرد. به پیج بچه‌ها که از درز دیوار خانه‌اش گذشته بود گوش می‌داد. کاش بال هواپیمای محسن را بیشتر خال جوش می‌زد. کاش آسمان سهم محسن بود و کاش... ناهید آرزو کرد کاش وزرقان بود. کاش چادرش را دوباره روی سر محسن

می‌کشید. کاش دوباره نفس به نفس هم می‌شدند و کاش، چک چک باران آسمان وزرقان، در شب ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ جان گرفت، محسن درازه به دراز رو به آسمان چشمانش را بسته بود. صدای بارش باران روی بال شکسته بالگرد ریخت. این همان شبی بود که نباید صبح می‌شد یا اگر خورشید طلوع می‌کرد محسن باز رنگ می‌زد خانه می‌گفت آنام، هاردا سان. سدا زاینده‌رود کجا، نجف‌آباد کجا، وزرقان کجا، بالگرد سقوط کرده کجا. این همان شبی بود که همه ایران چشم به ابر و مه آسمان دوخته بودند.



پرواز

همسرم

مردم را دوست داشت



میرم رضایی، همسر شهید خلبان

محسن دریانوش؛ شهید دریانوش بسیار خوش برخورد، مومن و مسبور بود و با همه انسان‌ها از موضع انسانیت برخورد می‌کرد.

شهید ما تمام ویژگی‌های برجسته یک انسان کامل را داشت. همسرم بیشتر مواقع به ماموریت اعزام می‌شد و کمتر در منزل حضور داشت و دربارۀ ماموریت‌های خود صحبتی نمی‌کرد. انسان‌های درستکار الگوی همسرم بودند و در زندگی به من و فرزندانم توصیه می‌کرد که انسان باید با خدا معامله کند.

همسرم همیشه به فرزندان توصیه می‌کرد که به گونه‌ای درس بخوانید و رفتار کنید که پرچم پدر بالا باشد و هر کاری می‌کنید برای خدا باشد. زمانی که با همسرم ازدواج کردم به منزل پدری‌شان رفتم و از خصوصیات بچی او صحبت می‌کردند می‌گفتند که محسن از کودکی به هواپیما علاقه‌مند بود و همیشه در آسمان به هواپیماها و هلی‌کوپترها نگاه می‌کرد و دوست داشت خلبان شود.

پس از پایان دوران دبیرستان و امتحان کنکور، در دو رشته پزشکی و خلبانی حائز رتبه‌های برتر شد و طبق علاقه، خلبانی را انتخاب کرد و وارد ارتش شد.

حضور همسرم در ارتش هم به دلیل علاقه زسادش به نظام، انقلاب و

کشورمان بود.

همسرم معتقد بود مردم کشورمان بی‌ریا، صادق، دستگیر، خودجوش و مهربان هستند و مردم را همیشه دوست می‌داشت.

معاون اول رئیس جمهوری؛

زمینه همکاری ایران و اعضای اقتصادی

اوراسیاد حوزه انرژی و جود دارد

معاون اول رئیس‌جمهوری گفت: زمینه‌های همکاری متعددی بیش روی ما و کشورهای عضو اقتصادی اوراسیا در زمینه‌های زیرساختی مرتبط با انرژی و برق گرفته تا حوزه‌های محیط زیستی و فناوری‌های پیشرفته وجود دارد. محمدرضا عارف در نشست نخست‌وزیران اتحادیه اقتصادی اوراسیا اظهار کرد: جمهوری اسلامی ایران همواره نشان داده است که به‌عنوان یک شریک قابل اعتماد در منطقه، به دنبال تقویت و گسترش روابط سیاسی و به‌ویژه اقتصادی در سطوح دوجانبه و چند جانبه است. ما باور داریم توسعه پایدار اقتصادی تنها از طریق تعمیق همکاری‌های سازنده میان کشورهای منطقه امکان‌پذیر خواهد بود و زمینه‌هایی نظیر اتحادیه اقتصادی اوراسیا نقش تعیین‌کننده در تحقق این همکاری‌ها دارند. وی افزود: جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد با توجه به ظرفیت‌های داخلی خود نظیر بیش از ۸۰ میلیارد دلار ظرفیت بالقوه تجارت با اعضا اتحادیه، دارا بودن منابع سرشار نفت و گاز، مزیت ترانزیتی قابل اعتنا و توانمندی قابل توجه فنی مهندسی و نیروی انسانی، نقش فعال‌تری را در این اتحادیه بر عهده بگیرد.

برای حل جدول اعداد باید در هر مربع کوچک‌تر ۳ در ۳ هیچ عدد تکراری وجود نداشته باشد.

همچنین هیچ عددی در یک سطر یا ستون مربع بزرگ ۹ در ۹ تکرار نشده باشد.

			۵			۱	۳		
					۱		۴		
							۹		۸
					۱				۹
			۵		۶				
				۷					
						۶			
					۷				

						۳		۷	۵
							۶		۸
								۱	

مدیر پروژه بافت های تاریخی سازمان باآفرینی فضاهای شهری شهرداری مشهد گفت: قدمت تونلی که در میدان ده دی کشف شده تقریبا ۱۰۰۰ ساله بوده که ۸۰ سال کاری نداشته است و علت شرعی و رطوبت زیاد تونل همین مورد می باشد.

محدثه داودی؛ بهزاد چوپانکاره در جریان بازدید خبرنگاران از روند ایجاد تونل تاریخی میدان ده دی مشهدکه ۱۰ مهر انجام شد، گفت: بررسی ما نشان می دهد این تونل از غرب تا بیمارستان امام رضا(ع)، از سمت جنوب تا چهارراه لشکر و از سمت شرق تا محله سرشور و در زیر خیابان امام خمینی(ره) و پهباده رو ها و مناطق مسکونی امتداد داشته باشد.

وی ادامه داد: به دلیل عبور مسیر کال قره خان که از این تونل، مازاد آب و گل و لای در این مکان جمع شده بوده که در ابتدای خاکبرداری عملیات لجن برداری صورت گرفت و سپس وارد گمانه زنی شدیممدیر پروژه بافت های تاریخی سازمان باآفرینی فضاهای شهری شهرداری بیان کرد:لولین مستندات این تونل مربوط به سال ۱۲۵۲، مستندات دوم مربوط به سال ۱۲۶۸ زمان ساختن کال قره خان و سپس در سال ۱۳۹۲ این سازه معماری هنگام عملیات حفاری ایجاد لوله جمع‌آوری آب‌های سطحی در زیر سطح خیابان امام خمینی(ره) یک سازه معماری مهم با دیوارهای ضخیم با مصالح مرغوب کشف و در آن زمان گفته شد شاخه اصلی این تونل بیش از ۶۰ متر طول دارد.

چوپانکاره بیان کرد: با توجه به اهمیت موضوع شناسایی، گمانه زنی و بازسازی و احیای تونل قدیمی، موضوع خاکبرداری و تخلیه رسوبات و گمانه زنی تونل قدیمی میدان ده دی از ابتدای سال ۱۴۰۳ به همت سازمان باآفرینی و تلاش برای حفظ و باآفرینی بافت های تاریخی وارد جریان عملیات شدیم و با همکاری اداره کل میراث خاکبرداری این تونل انجام شده است.

وی افزود: در حال حاضر در چندین مرحله باغ بر ۹۰۰ مترمکعب خاک و ضایعات و رسوبات ز داخل تونل تخلیه و قسمتی از این تونل قدیمی ۷۰ متر طول از تونل به پهنای ۹.۵ و ارتفاع ۴.۵ بازگشایی شده است و نکته مهم این است که این تونل را سازه چینه از زیر کار شده یعنی در ابتدا شالوده کنار کار و سپس پی زده شده و به صورت مخروطی

بالا آمده است و بعد دیوار ۸۰ سانتی را روی آن احداث کردندمدیر پروژه بافت های تاریخی سازمان باآفرینی فضاهای شهری شهرداری مشهد با اشاره به اینکه در بدنه دیوارهای دو طرفه تونل نیز ستونهای چوبی در فواصل دو متری تعبیه شده است، گفت: جنس این چوب ها، چوب درخت نوت است که به علت مقاومت و تراکم بالای چوب آن برای دو موضوع چوب بست و جلوگیری از لرز و رعشه بنا استفاده شده است.چوپانکاره افزود: این تونل بر اساس کارش های صورت گرفته، فرعیات زیادی داشته و یک بخش زیر زمینی بوده و در این تونل، چینه های زیبایی بسیار رعایت شده است. هر طاق دارای تزیینات است و اجرکاری های نامنظم رومی و ۹ طاق مختلف در حالت چیدمان هست که نشانگر ایجاد فضای متفاوت و زیبا برای رفت و آمد افراد در اینجا بوده استوی خاطر نشان کرد: در حال حاضر خاکبرداری که به اتمام رسید وارد فاز مطالعه خواهیم شد و پس از اخذ مجوز های لازم یک ای دو مورد گمانه زنی جدید باید انجام شود که بخش های جدید تونل باز شود و فرعی های جدید تونل شناسایی می شودمدیر پروژه بافت های تاریخی سازمان باآفرینی فضاهای شهری شهرداری مشهد با اشاره به اینکه در زمان ساخت تنها فرعی فعلی این تونل، از سنگ قبرهایی که در کنار گورستان کهنه این منطقه بوده است ۱۲ سنگ در ورودی بازگشایی پایه استفاده شده است، گفت: در انتهای تونل و در قسمت جداره دیوارها از سنگ قبر استفاده شده به طول نزدیک دو متر و روی این سنگ قبر نقوشی به خط نستعلیق و تزییناتی کنده کاری گل و ستاره به کار رفته است که به نظر می رسد از قبرستان قدیمی در محدوده کارگاه ساخت تونل به اینجا منتقل شده که همه گویای این است که این سازه محل عبور مردم بوده است.

وی ادامه داد: یک تفاوتی در سنگ قبرها در گذشته وجود داشته و این است که این سنگ قبرها صندوقی شکل می باشد که فقط روی مزار قرار میگردد و باتوجه به رتبه درجه، مقام، منزلت و ثروت هر فردی متفاوت بوده است و سنگ قبری که مربوط به دوران صفوی است در این مکان برعکس کار شده البته تعداد زیادی از آنها رو به ما نیست، اما یکی از سنگ‌ها را بر رو گذاشتند.چوپانکاره با بیان اینکه ایجاد این تونل مشخص نیست و بر اساس یافته ها پیش بینی



می شود؛ از یک سمت به طرف باغ علی و از سمت غرب تونل نیز به طرف کوهسنگی و بیمارستان سینا ادامه پیدا می کند، گفت: در مجاورت این تونل ابراهی وجود دارد که احتمالا بقایای یکی از قناتهای جاری در مشهد است و قدمت آن به مراتب بیش از این سازه معماری برآورد می شود این سازه قدمت تاریخی بالایی دارد و لازم است برای تعیین تاریخ دقیق سخت این تونل و شناسایی کامل آن مطالعاتی در آینده صورت گیرد و با توجه به ویژگی های معماری و تاریخی که این سازه دارد می توان با استحکام بخشی آن به عنوان یک جاذبه گردشگری در معرض دید قرار گیرد که این امر مستلزم هماهنگی دستگاه های همچون استانداری، شهرداری، شورای شهر و سایر نهادهای مرتبط است.

مدیر پروژه بافت های تاریخی سازمان باآفرینی فضاهای شهری شهرداری مشهد افزود: هم‌اکنون، شهرداری به منظور مرمت آن ورود پیدا کرده و در حال خاک برداری هستیم و با کمک میراث فرهنگی مشغول مرمت این تونل هستیم در تلاشیم این تونل، باآفرینی، مرمت و آماده سازی شود و در اختیار همنه‌پریان عزیز قرار گیرد.

بهره برداری از تونل تاریخی ده دی، تا پایان سال جاری جهت بازدید عموم

در ادامه محمود عبدالعزیز، مدیرعامل سازمان عمران و باز آفرینی فضاهای شهری شهرداری مشهد گفت:طبق بررسی های انجام شده، این تونل جهت حمل و نقل و تردد در زیر شهر ساخته شده و بر اساس گمانه زنی ها نزدیک به صد سال قدمت داردوی افزود: این تونل به لحاظ ساخت و معماري، بسیار با استحکام ساخته شده و این مسئله را سازمان نظام مهندسی نیز تأیید کرده: در بعضی قسمت ها از چوب به طول ۲ متر استفاده شده که این اقدام موجب گرفته شدن بار ضربه و زلزله شده است.عبداله زاده بیان کرد: احتمال می دهیم که تونل دارای آب انبار باشد و به آب انبار محدوده خیابان امام خمینی(ره) متصل شود: امیدواریم که بتوانیم پس از انجام اقدامات لازم و همچنین تجدیدبه میراث فرهنگی، تا پایان سال تونل را جهت بازدید عموم به بهره‌برداری برسانیم و اگر این اتفاق حاصل شود، قطعاً تونل تاریخی ده دی یک بخت هیوند برای شهر مشهد خواهد بود.